



هجرت امام رضا علیه السلام به ایران و تاثیر آن

بر روند مهاجرت علویان در دوره عباسی

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۴

زهره دهقان پور^۱، منصور طرفداری^۲

چکیده

مهاجرت اعراب به ایران که از ابتدای فتوحات آغاز شده بود، در دوره امویان و عباسیان نیز تداوم داشت. تفاوت مهاجرت اعراب در دوره عباسی با دوره‌های قبل از آن در این بود که مهاجران این دوره را بیشتر علویان تشکیل می‌دادند. این مهاجرت‌ها از ابتدای دوره عباسی شروع شد و با حضور امام رضا علیه السلام در ایران شدت بیشتری گرفت. مسئله پژوهش حاضر تاثیر هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام بر مهاجرت‌های علویان در دوره عباسی است. سوال این پژوهش آن است که مهاجرت امام رضا علیه السلام چه تاثیری بر مهاجرت علویان در دوره عباسی داشت؟. اطلاعات منابع گوناگون، گویای تاثیر بسیار هجرت امام رضا علیه السلام بر روند مهاجرت علویان با گرایش‌های مختلف شیعی است. مهاجرت علویان به ایران در دو دوره و به دو صورت یعنی همزمان با هجرت امام رضا علیه السلام و پس از هجرت شکل گرفت. از این رو می‌توان هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام را به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری، تداوم و گسترش مهاجرت علویان به مناطق مختلف ایران دانست و حتی برای آن در شکل‌گیری دولت علویان طبرستان نیز نقش و سهمی قائل شد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با استفاده از اطلاعات منابع مختلف تاریخی، رجال، انساب، فرق و مآخذ و تحقیقات جدید است. همچنین در این پژوهش سعی شد به جز رجوع به کتاب‌های متعلق به شیعه امامیه، به کتاب‌های فرقه زیدیه نیز استناد شود.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام، هجرت، ولیعهدی، علویان، ایران، دوره عباسی.

۱. استادیار گروه ایران‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد (نویسنده مسئول): dehghanpour@meybod.ac.ir

۲. استادیار گروه ایران‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد: tarafdari@meybod.ac.ir

مقدمه

هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام از جمله موضوعات مورد توجه پژوهشگران بوده و تالیفات بسیاری درباره جنبه‌های مختلف این موضوع به نگارش در آمده است. کتاب *العلویون فی المشرق الاسلامی و اثرهم الفکری و الحضاری حتی القرن الخامس الهجری* تالیف قاسم التیمی (۱۳۴۱ ق) یکی از این آثار است. مجموعه مقالات دو جلدی ابعاد زندگی و شخصیت امام رضا علیه السلام به سرپرستی احمد پاکتچی (۱۳۹۲) نیز از جمله مآخذی است که به تحقیق درباره امام رضا علیه السلام از جنبه‌های مختلف پرداخته است. از جمله مقالات مهم این مجموعه، دو مقاله درباره زیدیه و تعامل و ارتباط آنان با امام رضا علیه السلام، اثر یحیی میرحسینی است با عنوان «مناسبات دو سویه امام رضا علیه السلام و جریانهای زیدیه» و «امام رضا علیه السلام در میراث زیدیه». نگاه متفاوت به ماجرای هجرت امام رضا علیه السلام و پیامدهای آن به ویژه تاثیر آن بر مهاجرت های علویان به مناطق مختلف ایران را می توان از جمله نوآوری های پژوهش حاضر دانست. تا آن جا که نگارندگان اطلاع دارند اثری مستقل درباره مسئله مورد توجه این پژوهش یعنی «تاثیر ولیعهدی و هجرت امام رضا بر مهاجرت های علویان» وجود ندارد. نگارندگان، تاثیر هجرت امام رضا علیه السلام بر مهاجرت های علویان را امری بدیهی و مسلم می دانستند. علت این امر انجام پژوهش های متعدد درباره امام رضا علیه السلام و موضوع مهاجرت و ولیعهدی ایشان بود. حال آنکه مواجهه با برخی پژوهش ها که طی سال های گذشته انجام گرفته است، این ضرورت را ایجاب کرد که به این مسئله در قالب اثر و پژوهشی مستقل پرداخته شود. در این بین، مقالاتی همچون «تبیین مهاجرت سادات علوی به ایران، با تاکید بر ناحیه خراسان» تالیف رضایی برجکی و همکاران (۱۳۹۶) نشانگر آن است که هنوز سوالات و ابهاماتی درباره اهمیت و میزان تاثیرگذاری هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام، به ویژه تاثیر آن بر سیر و روند مهاجرت علویان وجود دارد. برجکی و همکاران ایشان معتقدند که تاثیر هجرت امام رضا علیه السلام به ایران بر روند مهاجرت ها، بیشتر از طرف منابع شیعی قرن های هشتم به بعد برجسته شده است. در این مقاله آمده است: «... در سده های هشتم و نهم که گرایش های شیعی امامی در ایران رشد کرد، نویسندگان شیعه سعی کردند سرمنشا ورود دسته جمعی سادات را به جای قیام

علویان که رنگ زیدی داشت، به سفر امام رضا (علیه السلام) پیوند دهند» (ن.ک: رضایی بر جکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸). در ادامه به نقد این دیدگاه بر اساس شواهد و مدارک تاریخی خواهیم پرداخت. نگارندگان، سوال اصلی خود در پژوهش حاضر را بررسی تاثیر هجرت امام رضا (علیه السلام) بر روند مهاجرت‌های علویان در دوره عباسی قرار داده اند. فرضیه‌ای که می‌توان برای این سوال مطرح کرد آن است که با توجه به گزارش‌های متعدد منابع مختلف که در ادامه بیان خواهد شد، ولیعهدی و هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران پیامدهای گوناگونی داشت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، گسترش و تداوم مهاجرت‌های علویان و سادات با گرایش‌های مختلف شیعی به ایران است. روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع متعدد تاریخی و ... است. همچنین در این تحقیق تلاش شد تا اتکای نویسندگان تنها بر مبنای کتاب‌های مشهور و معمول تاریخی و منابع شیعی امامی نباشد و از منابع دیگر فرق همچون زیدیه نیز استفاده شود.

۱. مهاجرت‌های علویان به ایران همزمان با هجرت امام رضا (علیه السلام)

در باره علت و زمان پراکندگی سادات و علویان در دیگر سرزمین‌ها و از جمله ایران، نظرهای متفاوتی وجود دارد. ابوالفرج اصفهانی زمان پراکندگی آنان را به دوره خلافت متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷) و به علت سختگیری او بر علویان می‌داند (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۷۶-۴۷۸؛ ن.ک: آملی، ۱۳۴۸: ۷۷؛ ابن اسفندیار، بی تا، ج ۱: ۲۲۴، ۲۲۶). اولیاءالله آملی هجرت آنان به طبرستان را هنگام خلافت مامون و شهادت امام رضا (علیه السلام) می‌داند. وی درباره علت حضور علویان در طبرستان و مناطق اطراف آن همچون طالقان، قومس، دیلمان و غیر آن می‌گوید: «چون ایام دولت مامون خلیفه بود و خلافت بدو قرار گرفت و ممکن گشت، در تربیت سادات علویه می‌کوشید ... چون به ولیعهدی امام در مدینه خطبه خوانده شد و این خبر در عالم فاش شد سادات علویه از اطراف شام و حجاز و عراق و یمن و مدینه و هر جا که بودند، روی به خراسان نهادند تا با رضا (علیه السلام) بپیوندند» (آملی، ۱۳۴۸: ۷۹-۸۱). رابینو نیز پس از اشاره به تعداد زیاد سادات در مازنداران، پناهنده شدن بعضی

از منسوبان امام رضا علیه السلام به دیلمان و طبرستان را بعد از شهادت ایشان می‌داند (رابینو، ۱۳۳۶: ۳۰-۳۱). ضمن تایید همه علل پیش گفته، در این مقاله پنج عامل تعیین کننده و به عبارتی پنج دوره برای مهاجرت علویان در دوره عباسی مطرح می‌شود و یکی از این دوره‌ها و عوامل که همانا هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام است، تحلیل و واکاوی می‌شود. این پنج دوره به ترتیب زمانی موارد زیر را شامل می‌شود:

۱. مهاجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام در ابتدای قرن سوم هجری

۲. دوره متوکل و سختگیری‌های وی بر علویان (حک: ۲۳۲-۲۴۷)

۳. قیام یحیی بن عمر در کوفه (۲۵۰ ق)

۴. تشکیل دولت علویان در طبرستان در اواسط قرن سوم هجری

۵. حضور اسماعیلیان در ایران (حدود نیمه دوم قرن سوم هجری).

ابوالفرج اصفهانی که کامل‌ترین گزارش قرن‌های اولیه را درباره هجرت و ولیعهدی امام رضا علیه السلام ارائه داده است، می‌نویسد مامون به منظور ادای نذر خود بعد از پیروزی بر برادرش، امام رضا علیه السلام را به همراه گروهی از طالبیان به مرو فراخواند (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۴). در بررسی تعداد مهاجران همراه امام، می‌توان دو گروه را در نظر گرفت:

۱. خانواده و نزدیکان امام رضا علیه السلام
۲. خویشاوندان و صحابه و یاران امام. امام رضا علیه السلام وقتی از مدینه خارج می‌شد با اهل و عیال خود خداحافظی کرد اما گزارشی از همراهی کسی از خانواده در دست نیست (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۳۵). از این رو احتمالاً کسی از خانواده و نزدیکان در این سفر وی را همراهی نکرد هر چند گزارش‌هایی از مهاجرت برخی از طالبیان در دست است. ابوالفرج اصفهانی از هجرت جماعتی از آل ابی طالب به همراه امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو سخن گفته اما به نام آنان اشاره ای نکرده است (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۴). گزارش‌های موجود منابع از همراهان امام در سفر از مدینه به مرو، مربوط به غیر علویان و افرادی از یاران و اصحاب ایشان همچون هشام بن ابراهیم راشدی، از خواص اصحاب آن حضرت است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۶۴-۱۶۵). از

معدود افرادی که روایت است با امام از مدینه همسفر و همراه شدند محوّل سجستانی است. وی امام را برای وداع با حضرت رسول ﷺ، تا مسجد مدینه و سپس در سفر به خراسان همراهی کرد. محوّل هنگام شهادت امام در طوس بود و از خاک سپاری ایشان در کنار هارون اطلاع داده است (همان: ۲۳۴). از دیگر افرادی که در کاروان سفر امام به سوی خراسان حضور داشت، عموی ابوالحسن صائغ است که از وی اطلاعی در منابع نمی توان یافت. ابوالحسن صائغ از عموی خود روایت می کند که با حضرت رضا (علیه السلام) تا خراسان همراه بودم و با ایشان درباره قتل رجاء بن ابی ضحاک که امام را به خراسان آورد، مشورت کردم (همان: ۲۲۲). بنابراین وی باید از جمله نزدیکان امام رضا (علیه السلام) و از افراد مورد اعتماد ایشان باشد. از دیگر همراهان سفر امام، فردی است به نام محمد بن علی که در استبصار نحوه نماز خواندن امام رضا (علیه السلام) در طول سفر از او نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۶۵). عبدالسلام بن صالح هروی (هراتی) (اباصلت) از اصحاب امام رضا (علیه السلام) (همان: ۶۰؛ پیرعلیلو، ۱۳۷۸: ۶۱ به بعد) نیز محدثی توانا بود و برای شنیدن حدیث به بصره، کوفه، حجاز و یمن مسافرت‌ها کرد و در این راه زحمات زیادی متحمل شد (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۸) وی به گزارش برخی منابع در سفر امام از مدینه، همراه ایشان بود و حدیث سلسله الذهب را روایت کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۴۳؛ پیرعلیلو، ۱۳۷۸: ۶۴). بعضی گزارش‌ها نیز حضور اباصلت در خراسان را به طور مستقل از سفر امام و به قصد قیام برضد مامون می دانند (ن.ک: خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱: ۴۷).

از این رو با توجه به گزارش‌های ارائه شده درباره مهاجرت‌های همزمان با ولیعهدی و به همراهی امام رضا (علیه السلام) باید گفت تعداد مهاجرانی که از مدینه به مرو امام را همراهی کردند، انگشت شمار بودند و گزارشی از حضور فردی از خانواده ایشان در این سفر به همراه امام در دست نیست و مهاجران همراه امام را معدود یاران و صحابه امام تشکیل می دادند. مهاجرت همه نزدیکان و افراد خانواده و امام رضا (علیه السلام)، در دسته مهاجرت‌های پس از ولیعهدی قرار می گیرد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد. یکی از پیامدهای حضور امام در ایران، مهاجرت گسترده علویان به مناطق مختلف ایران و از جمله خراسان است که در این پژوهش بررسی می شود.

۲. تداوم مهاجرت‌های علویان به ایران پس از هجرت امام رضا علیه السلام

هجرت امام رضا علیه السلام عامل مهاجرت بسیاری از علویان با گرایش‌های مختلف به ایران بود؛ هر چند برخی پژوهشگران نظر مخالفی دارند و نقش این عامل را در مهاجرت‌های علویان چندان پررنگ نمی‌دانند. در مقاله «تبیین مهاجرت سادات علوی به ایران، با تأکید بر ناحیه خراسان» آمده است: «می‌توان گفت در سده‌های هشتم و نهم که گرایش‌های شیعی امامی در ایران رشد کرد نویسندگان شیعه سعی کردند سرمنشا ورود دسته جمعی سادات را به جای قیام علویان که رنگ زیدی داشت، به سفر امام رضا علیه السلام پیوند دهند» (رضایی برجکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸). به نظر می‌رسد از جمله دلایل چنین تفاسیر و برداشت‌هایی که با واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد، اکتفای صرف به منابع شیعی امامی باشد. حال آنکه با رجوع به منابع زیدی و حتی اهل سنت می‌توان تفسیر نو و متفاوتی از جایگاه امام رضا علیه السلام نزد مسلمانان آن روزگار و تاثیر هجرت ایشان بر مهاجرت علویان به ایران ارائه داد. منابع متعدد تاریخی بر آنند که حتی مهاجرت‌های علویان زیدی به مناطق شمالی ایران نیز به دنبال هجرت و ولیعهدی و حتی در مواردی به علت شهادت امام رضا علیه السلام صورت گرفته است. علت این امر، غیر از موقعیت دینی و مذهبی امام رضا علیه السلام نزد شیعیان امامیه، به علت جایگاهی بود که ایشان بین شیعیان و مسلمانان به عنوان اهل‌البیت و البته ولیعهد مامون توانسته بود احراز نماید (ن.ک: میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۸۵-۴۰۷؛ همان: ۳۵۱-۳۸۳). درباره این دسته از مهاجران، یعنی مهاجرانی که پس از هجرت امام به صورت فردی یا گروهی به ایران وارد شدند، روایات و گزارش‌های ضد و نقیضی در دست است و کار پژوهش را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌کند. از این رو نمی‌توان آمار دقیقی حتی از خانواده و نزدیکان امام که به ایران وارد شدند ارائه داد. با وجود این، مهاجرت برخی از نزدیکان و از جمله خواهران و برادران ایشان به ایران را با توجه به گزارش‌های مکرر منابع، می‌توان از مسلمات تاریخی دانست. نام بردن از همه مهاجران به ایران و مناطق مختلف آن در این مقال نمی‌گنجد؛ از این رو برای بیان نمونه‌هایی از مهاجرت گسترده علویان به دنبال ولیعهدی امام رضا علیه السلام، به مهاجرت برخی علویان به دو ناحیه خراسان و جبال اشاره می‌شود.

۲-۱. خراسان

اسحاق بن موسی الکاظم، برادر امام رضا (علیه السلام) و اسحاق بن جعفر^۱، فرزند امام صادق (علیه السلام)، از جمله کسانی هستند که گزارشی از حضورشان پس از ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) در خراسان در دست است. پس از اجرای مراسم ولیعهدی، پیوند ازدواج دختر اسحاق بن موسی (علیه السلام) با عموزاده وی، اسحاق بن جعفر بن محمد (علیه السلام) روی داد. اسحاق بن موسی از طرف مأمون به امیرالحاجی منسوب شد و در تمام شهرها به ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) خطبه خوانده شد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۶؛ اربلی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳: ۷۱). عباس، برادر دیگر امام رضا (علیه السلام) نیز از جمله افرادی است که منابع به حضور وی پس از ولیعهدی در خراسان و مرو تصریح کرده اند. بنا به گزارش منابع قرن های اولیه، وی را نزد مردم کوفه فرستادند تا برای مأمون و پس از آن برای امام رضا (علیه السلام) بیعت بگیرد. برخی دعوت او را پذیرفتند و برخی گفتند «اگر آمده ای ما را برای مأمون فراخوانی و سپس برای برادرت، ما هرگز به این دعوت نیازی نداریم و اگر ما را به سوی برادرت یا برخی از خاندان علی و یا حتی خودت فرامی خوانی ترا اجابت خواهیم کرد» (طبری، ۱۹۶۷، ج ۸: ۵۵۹؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۵: ۴-۱۳۴). مهاجرت علویان و سادات از ابتدای قرن سوم روند صعودی داشت. زید بن موسی، برادر امام رضا (علیه السلام)، از دیگر مهاجران به خراسان در دوره ولیعهدی است. وی که عامل ابوالسرایا بر اهواز بود (علوی، ۱۴۰۹ ق: ۱۱۹) در سال ۱۹۹ قمری در بصره خروج کرد و خانه های بنی عباس را سوزانید (طبری، ۱۹۶۷، ج ۸: ۵۳۵؛ ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۲۲۱). مأمون، زید را به خاطر امام رضا (علیه السلام) بخشید و او را نزد ایشان فرستاد (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۴۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۵۸؛ ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۲۲۱). مهاجرت زید را می توان جزو مهاجرت های اجباری^۲ دانست. هجرت وی از جمله مهاجرت هایی محسوب می شود که به طور غیرمستقیم با هجرت امام رضا (علیه السلام) پیوند می خورد. زید پس از مهاجرت، در مرو مستقر شد و حضور وی در این شهر زمینه ساز مهاجرت و حضور فرزندان و نزدیکان وی گردید. گزارش منابع انساب از حضور فرزندان وی در برخی مناطق ایران طی قرن های

۱. اسحاق بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی (علیه السلام)
 ۲. مهاجرت های اجباری به مهاجرت هایی گفته می شود که در آن اراده مهاجر، تأثیری در انجام شدن یا نشدن مهاجرت ندارد؛ نظیر انتقال بردگان از سرزمینی به سرزمین دیگر یا پیامدهای جنگی (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۵).

بعد خبر می دهند (علوی عمری، ۱۴۰۹ ق: ۱۱۹؛ عبیدلی، ۱۴۱۳ ق: ۱۶۳؛ ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۱۷؛ شوشتری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۹۹). بخاری، زید النار را مسموم شده به دست مامون و قبری وی را در مرو می داند (بخاری، ۱۳۸۱: ۳۷؛ همچنین ن. ک: ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸: ۳۷۳؛ قس: روضاتی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۶۷).

منابع همچنین به حضور طالبیان و بنی هاشم (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰۱) و گروهی از آل ابی طالب در زمان حضور امام در خراسان اشاره می کنند (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۴۵۵؛ مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۳۸۲؛ اربلی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳: ۷۱). از دیگر مهاجران به خراسان و مرو، محمد بن جعفر دیباج^۱ است. وی فرزند امام صادق (علیه السلام) و از جمله مهاجرانی است که پس از ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) در خراسان حضور یافت. محمد بن جعفر در زمان مامون در مکه قیام کرد و افرادی از فرقه های زیدیه و جارودیه^۲ نیز او را همراهی کردند (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۲۱۲). شیخ مفید پسر عموهای محمد را از جمله همراهان وی در دربار مامون می داند (همان) ولی به نام آنان اشاره ای نمی کند. محمد در زمان شهادت امام رضا (علیه السلام) در خراسان بود (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۷) ابن بابویه مرگ او را قبل از شهادت امام رضا (علیه السلام) می داند (ن. ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۲۳). محمد در جریان مذاکرات ولیعهدی و قبل از قبول آن از طرف امام رضا (علیه السلام) (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۲۶۰) و در مجلس بیعت با ایشان پس از پذیرش ولیعهدی (همان: ۲۶۲؛ همچنین ن. ک: ابو الفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۵) و همچنین در جریان مناظرات امام با ارباب ادیان، حضور و نقش پررنگی داشت (ن. ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۴۱، ۱۸۱؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰۱؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۱۳۱). وی گویا به هنگام شهادت امام رضا (علیه السلام) نیز به همراه گروهی از طالبیان در خراسان بوده است (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۸). از دیگر علویان حسینی که وارد مرو شدند، محمد بن محمد^۳ بود؛ وی از بغداد به مرو فرستاده شد تا مامون هر چه صلاح می داند درباره وی انجام دهد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۴۶-۴۴۷). ابوالسرایا در سال ۱۹۹ قمری و بعد از وفات ابن طباطبا، محمد را به جای

۱. وی به واسطه جمال و جلوه و کمالی که داشت به دیباج نیز نامیده می شد (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۴۳۹).

۲. درباره عقاید جارودیه ن. ک: ناشی اکبر، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۱.

۳. فرزند زید بن علی بن الحسین بن علی (علیه السلام).

وی منصوب کرد (ن.ک: طبری، ۱۹۶۷، حوادث ۱۹۹ قمری). وی ۴۰ روز بعد از حضور در مرو چشم از جهان فرو بست. ابوالفرج اصفهانی به نقل از یک راوی، وی را مسموم شده در مرو می داند (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۴۶-۴۴۷).

نتایج پژوهش درباره مهاجران خراسان نشان دهنده آن است که بیشترین تعداد را علویان حسینی، حسنی و بعدتر به ترتیب علویان اطرفی و عباسی تشکیل می دادند (ن.ک: دهقان پور، ۱۳۹۴: ۸۲ به بعد، ۳۳۷ به بعد). در گروه علویان حسینی بیشترین تعداد مهاجران از فرزندان امام سجاد (علیه السلام) و امام موسی کاظم (علیه السلام) بودند و بعد از این دو گروه، فرزندان امام صادق (علیه السلام) قرار داشتند. مهاجرت گسترده این سه گروه از علویان حسینی را می توان این چنین تشریح کرد: مهاجرت فرزندان امام موسی کاظم (علیه السلام) را می توان به علت هجرت و ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) و خواهران و برادران ایشان در ابتدای قرن سوم و در ادامه وجود آرامگاه ها و مقابر متعلق به آنان دانست (برای اطلاع از مهاجرت علویان حسینی و دیگر گروه های علوی به خراسان و دیگر مناطق ایران و همچنین نمودار پراکندگی در مناطق مختلف ایران ن.ک: دهقان پور، ۱۳۹۴: ۸۲ به بعد). از این رو به نظر می رسد اهمیت هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران و تاثیر آن بر روند مهاجرت ها به حدی است که می توان به عنوان یکی از دوره های مهم مهاجرت و یکی از عوامل تاثیرگذار بر آن ها مطرح شود.

۲-۲. جبال

«فرای» ایران مرکزی و جبال را از نظر جوشش و در آمیختگی عرب و ایرانی که بالمال به فرهنگ ایرانی منجر شد با خراسان همانند می داند (فرای، ۱۳۵۸: ۱۲۹). در اواخر قرن سوم قمری، دستور عبدالله بن میمون قداح اهوازی به خلف حلاج، نخستین داعی شیعیان اسماعیلی مذهب منطقه جبال، گویای گسترش رشد تشیع در برخی مناطق ایران و از جمله جبال است: «تو به جانب ری رو که در ری و قم و کاشان و آبه و ولایت طبرستان و مازنداران همه رافضی اند و دعوی شیعت کنند و ایشان دعوت تو را اجابت کنند» (نظام

الملک، ۱۳۷۳: ۲۲۰). قمی در کتاب تاریخ قم و در صحبت از اولین فرد از سادات حسینی که به قم آمد از نوادگان اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) نام می‌برد. این مهاجر، حسین بن حسین^۱ است و بنا به اظهار قمی زمان حضور و استقرار وی در قم، معاصر با زمان امام حسن عسکری یعنی حدود اواسط قرن سوم هجری بوده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۱). حال آنکه قبل از حسین بن حسین و پس از حضور امام رضا (علیه السلام) در ایران، بسیاری از سادات موسوی و رضوی به این شهر مهاجرت کرده بودند و خود قمی نیز به مهاجرت آنان اشاره کرده است: «دیگر از سادات حسینیّه از فرزندان موسی بن جعفر علیهما السلام^۲ که بقم آمدند فاطمه بود دختر موسی بن جعفر علیهما السلام، چنین گویند بعضی از مشایخ قم که چون امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را از مدینه بیرون کردند تا بمرو رود از برای عقد بیعت بولایت عهد برای او فی سنة مائین خواهر او فاطمه بنت موسی بن جعفر س در سنه احدی و مائین بطلب او بیرون آمد» (همان: ۲۱۳). قمی درباره ورود موسی مبرقع، فرزند امام جواد (علیه السلام) و فرزندان موسی می‌نویسد: «دیگر از سادات حسینیّه از سادات رضائیه از فرزندان امام رضا (علیه السلام) موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) صاحب رضائیه ... اول کسی که از سادات رضویه که بقم آمدند از کوفه ابو جعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر (علیه السلام) بود وی در سنه ست و خمسین و مائین از کوفه بقم آمد و بقم مقام کرد» (همان: ۲۱۵). مولف تاریخ قم همچنین به همراهی و همکاری اهالی قم برای انجام فعالیت تبلیغی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در قم پس از ورود موسی مبرقع سرایی برای وی فراهم شد و عواید چند روستا نیز برای فعالیت‌های تبلیغی در اختیارش قرار گرفت»^۳ (همان: ۲۱۵). جالب توجه آنکه مهاجرت علویان و مخصوصاً سادات رضوی و موسوی به مناطق مختلف ایران و از جمله جبال، از ناحیه کوفه انجام می‌شده است. درباره اینکه آنان پس از استقرار در این مناطق به ایران مهاجرت کردند، یا کوفه به عنوان گذرگاه آنان از مدینه به ایران بوده است اطلاعی در دست نیست. قمی اسامی دیگر سادات و امامزادگانی را (غیر از حضرت معصومه (علیها السلام) و فرزندان امام جواد (علیه السلام) و ...) که تا سال تالیف تاریخ قم در سال ۳۷۸ قمری در مقبره بابلان

۱. فرزند جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق (علیه السلام).

۲. مطلب نقل مستقیم از کتاب تاریخ قم است و عین مطلب تکرار شده است.

۳. برای اطلاع از دیگر مهاجران از خانواده مبرقع نک: همان: ۲۱۳، ۲۱۶؛ ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۲۵۳.

دفن شده اند نیز ذکر کرده است (ن.ک: قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۶؛ بحرالعلوم گیلانی، ۱۳۷۶: ۱۶۹). همچنین قمی از سادات موسویه در قم از نسل ابراهیم بن موسی بن جعفر (ن.ک: قمی، ۱۳۶۱: ۲۲۱ به بعد) و از فرزندان اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن جعفر (همان)، ارتباط آنان با آبه و رفت و آمد آنان بین قم و آبه گزارش می دهد (همان). از دیگر علویان حسینی در قم، فرزندان محمد بن جعفر صادق (دیباج) بودند. قمی می نویسد: «در قم از فرزندان محمد بن جعفر صادق و فرزندان علی بن محمد بن جعفر صادق که سادات عزیزه و محسنیه اند» حضور دارند (همان: ۲۲۲ به بعد). قمی همچنین از رفت و آمد آنان بین ری و قزوین خبر می دهد (همان: ۲۲۳). نوادگان محمد دیباج نیز در این دوره در شهرهای قزوین و ری پراکنده شدند (همان). ابن طباطبا از حسین بن علی خااص فرزند محمد دیباج به عنوان مهاجران قم یاد کرده و بازماندگان وی را ابو طاهر احمد، علی عبد الله و جعفر اعمی دانسته است (همان: ۲۵۶؛ برای اطلاع از مهاجرت علویان به مناطق مختلف ایران ن.ک: دهقان پور، ۱۳۹۴: ۸۲-۲۰۱). از آن جا که اولین علویان مهاجر به این منطقه از سادات رضوی و موسوی (خواهر امام رضا و خویشان ایشان) بودند، می توان مهاجرت علویان به این مناطق را نیز به طور غیر مستقیم با هجرت و ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) پیوند داد و آن را سرآغاز مهاجرت گسترده علویان به مناطق مختلف جبال دانست. کریمان نیز بسیاری از مهاجرت های انجام شده به ناحیه ری را مربوط به دوره ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) و بعدتر همزمان با خروج علویان در طبرستان می داند (کریمان، ۲۵۳۶ خورشیدی، ج ۱: ۱۷۲). از جمله فرزندان امام موسی کاظم (علیه السلام) که گمان می رود در مهاجرت بزرگ برادران امام رضا (علیه السلام) به ایران حضور داشته و در ری مستقر شده اند حمزه بن موسی است. چندین مقبره در چند جای دیگر ایران نیز به او نسبت داده شده است. علامه مجلسی وی را مدفون در ری و در قریه معروف به شاه زاده عبدالعظیم می داند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸: ۳۱۳؛ کچوئی قمی، ۱۴۲۳ ق، ج ۲: ۲۵۵). ابن طباطبا از مهاجرت بعضی از فرزندان داود بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم به ری سخن می گوید (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۱۵۸؛ عیدلی نسابه، ۱۴۱۳ ق: ۱۵۵). از دیگر مهاجران از نسل امام موسی کاظم، فرزندان جعفر بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم (علیه السلام) بودند (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۱۵۹). ابن عنبه،

موسی و ابوالحسن محمد را از جمله فرزندان جعفر در ری می‌داند (ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

در سال ۲۵۰ هجری و با به قدرت رسیدن حسن بن زید در طبرستان، محمد بن جعفر بن حسن^۱ در ری دست به قیام زد و به حسن بن زید فرمانروای طبرستان دعوت کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۶۹؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۹۰). عبد الله بن طاهر والی نیشابور او را دستگیر کرد و در نیشابور به زندانش انداخت و وی همان جا از دنیا رفت (ابوالفرج اصفهانی: همان). پس از وی احمد بن عیسی^۲ در ری دست به قیام زد. او نیز داعی حسن بن زید بود (همان). احمد بن عیسی با مردم ری نماز عید خواند و به «الرضا من آل محمد» دعوت کرد (طبری، ۱۳۸۷، حوادث ۲۵۰ هجری؛ همچنین ن. ک: مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۶۹؛ قس: ابن اثیر، ۱۳۸۵، حوادث ۲۵۱ هجری). طبری، ادریس بن موسی^۳ را نیز از همراهان احمد در قیام می‌داند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۹: ۲۷۵). گزارش طبری همچنین حاکی از حمله و قیام احمد بن عیسی علوی و حسین بن احمد کوکبی به ری به سال ۲۵۲ قمری است (ن. ک: طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۴۸؛ قس: ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۶۷؛ همچنین ن. ک: ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۹۲ به بعد) از این رو تعداد زیادی از مهاجران را افرادی با گرایش زیدی تشکیل می‌دادند. این قیام‌ها و حملات همه از طبرستان و از مرکز حکومت علویان طبرستان و به نام آنان فرماندهی می‌شد. از این رو می‌توان احتمال داد که بسیاری از این قیام‌کنندگان از آن ناحیه به جبال روی می‌آوردند.

۳. امام رضا (علیه السلام) و فرقه‌های شیعی

هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران زمینه‌ساز مهاجرت فرقه‌های شیعی شد. قبل از پرداختن به مهاجرت فرقه‌ها، بحث از چگونگی روابط متقابل آن‌ها با امام رضا (علیه السلام) و بیان جایگاه امام نزد این گروه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۱. فرزند عمر اشرف بن علی بن حسین بن علی (علیه السلام)

۲. پسر علی بن حسین الصغیر بن علی بن حسین بن علی (علیه السلام)

۳. پسر عبد الله بن موسی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی (علیه السلام)

۳-۱. امام رضا (علیه السلام) و زیدیه

از جمله فرقه‌هایی که پس از هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران مهاجرت کردند زیدی‌ها بودند. با وجود اینکه امام باقر و امام صادق (علیه السلام) با نظرات زید مخالف بودند؛ ولی به او با دیده احترام نگریسته و از او به نیکی یاد کرده اند. سخنان فراوانی از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) درباره زید، در تجلیل از او و جایگاهش در میان خاندان نبوت در دست است (ن. ک: بهرامی، ۱۳۸۳: ۷۱۷-۷۱۹). گزارش‌هایی نیز از نماز گزاردن امام صادق (علیه السلام) بر پیکر زید بن علی وجود دارد (ن. ک: میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۸۸). آنگاه که مامون، زید بن موسی، برادر امام رضا (علیه السلام) را با زید بن علی مقایسه کرد امام رضا (علیه السلام) اعتراض کرد و این مقایسه را درست ندانست. امام زید بن علی را از علمای آل محمد دانست «کسی که برای خداوند به خشم آمد و جهاد نمود... و به الرضا من آل محمد دعوت نمود» (ن. ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۲۵). گزارش است که حضرت رضا (علیه السلام) در نیشابور به زیارت مقبره نواده زید بن علی یعنی محمد محروق رفت و وی را مخدوم خود خواند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۱). سنت قیام بالسیف که در طول سده دوم هجری از سوی برخی رجال اهل بیت در ادامه قیام زید بن علی دنبال گردید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۲۵ به بعد؛ پاکتچی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۷۲؛ ن. ک: ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۸۸، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۶۵ به بعد) پیروان زید یا به تعبیر دیگر شیعیان زیدی را در تقابل با امامیه قرار داد (پاکتچی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۷۲). پیروان فرقه زیدیه از زمان صادقین به بعد، راه خود را از ائمه شیعه امامیه جدا کردند و تنها مرجعیت علمی و فکری و نه سیاسی و رهبری دینی برای آنان قائل بودند (میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۵؛ ن. ک: صفری فروشانی، ۱۳۹۲: ۸۳-۱۱۲).^۱ انعکاس دیدگاه زیدیه در کتاب حقائق المعرفه درباره رویکردهای سیاسی امام رضا (علیه السلام) قابل توجه است. در این کتاب خاندان رسول الله (صلی الله علیه و آله) با تعبیر اهل بیت (علیهم السلام) به دو گروه تقسیم شده‌اند؛ گروه اول کسانی هستند که معتقد به قیام بوده و دیگران را به سوی خود فرا خوانده‌اند (متوکل علی الله، ۲۰۰۳: ۴۸۱-۴۹۱؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۵۹). در مقابل، گروه دوم نه اهل

۱. برای اطلاع از این گزارش‌ها ن. ک: کریمان، ۱۳۶۴: ۵۹؛ همچنین برای اطلاع از روایات درباره اقرار و اعتراف زید به امامت ائمه اثنی عشر ن. ک: کریمی، ۱۳۶۴: ۴۸-۵۸.

۲. درباره مناظره امام رضا (علیه السلام) با زیدیه در بصره قبل از ولیعهدی ن. ک: میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۵.

قیام بودند و نه مخالفتی با آن داشتند (میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۵۹). مولف این کتاب، امام رضا (علیه السلام) را در شمار طبقه دوم قرار می دهد (همان). در متون زیدیه گاه امام رضا (علیه السلام) به عنوان شخصیتی هم سو با افکار آن ها معرفی می شود. بارزترین شاهد، آن که امام رضا (علیه السلام) را یکی از داعیان یحیی بن عبدالله (د. ۹۳ ق) دانسته اند (شهبازی صنعانی، ۱۴۲۳ ق: ۲۶۳؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۰). مسوری نیز سه نسل از اولاد امام صادق (علیه السلام) را که، بالطبع علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نیز در آن جای می گیرد، معتقد به باورهای زید بن علی می داند (مسوری، بی تا: ۲۶۱؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۰).

درباره دیدگاه زیدیان درباره مساله ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) نیز باید گفت زیدیه به دلیل آن که به مانند امامیه، خلافت را حق اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می دانند به اعطای ولایتعهدی به دیده جایگاهی که حضرت رضا (علیه السلام) بر اثر گشاده دستی و افاضات مامون به آن نائل آمده باشند نمی نگرند، بلکه آن را حق علویان می دانند (میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۱). پیروان مذهب زیدیه، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را به عنوان یکی از راویان حدیث می پذیرند و نه کسی که سخن اش به مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) حجت باشد (همان: ۳۶۴). آنان تا پیش از جریان ولایتعهدی به امام رضا (علیه السلام) تنها به عنوان یکی از اهل بیت (علیهم السلام) و از نوادگان امام حسین (علیه السلام) می نگرستند و مرجعیت دینی و مذهبی هم شأن یک امام برای ایشان قائل نبودند (همان). گروه دیگری از زیدیه نیز پس از بیعت ولایتعهدی به امامت علی بن موسی (علیه السلام) قائل گشتند اما هنگامی که آن حضرت به شهادت رسید آنان نیز از اعتقاد خود دست شستند (اشعری، ۱۴۰۰ ق: ۱۹؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۷). از این رومی توان احتمال داد که برخی زیدیان، پذیرش ولایتعهدی را نوعی قیام برای رسیدن به حکومت و یا زمینه سازی در راستای آن تفسیر کردند و به امامت حضرت رضا (علیه السلام) ایمان آوردند (میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۸). شاهد این امر را می توان در کتب تراجم زیدیه مشاهده کرد؛ آنجا که امامت تمام شیعیان را در دوره ولایتعهدی منحصر به حضرت رضا (علیه السلام) می دانند (ن. ک: محمد بن ابراهیم، بی تا: ۶۳؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۸). گروه های عمده ای از زیدیه پس از طرح مسئله ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام)، امامت آن حضرت را قبول کردند و از مخالفت دست برداشتند، گرچه در همین گزارش آمده است

که علت این گرایش رسیدن به اهداف دنیوی بوده است و ایشان پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) دوباره به مذهب زیدیه بازگشتند (صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۷۳). از این رو بیشترین تعامل زیدیه با حضرت رضا (علیه السلام) مربوط به دوران پس از ولایت عهدی ایشان است. زیدیان در قبال پذیرش ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) به سه گروه تقسیم شدند (میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۶): در کنار زیدیانی که به ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) چنان خوش بین بودند که امامت ایشان را پذیرفتند باید به قاطبه پیروان این فرقه اشاره کرد که با ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) مخالفتی نداشتند. مهم‌ترین شاهد این مسئله را می‌توان در فروکش کردن قیام‌هایی با بن‌مایه تفکر زیدی در دوره مامون مشاهده کرد. شاهد دیگر، حضور برخی سران زیدیه در مجلس واگذاری ولایت عهدی به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و بیعت با ایشان است (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۶؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۰۰). گروهی نیز با ولایت عهدی مخالف بودند (ن. ک: میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۰۱). مولف بلوغ الارب علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را در مدت زمان ولایت عهدی، امام می‌داند و دلیل خود را بیعت همگانی و اجماعی با ایشان عنوان می‌کند (شهراری صنعانی، ۱۴۲۳ ق: ۲۶۳؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۸-۳۹۹). نکته جالب توجه آنکه در کتاب ائمه اهل البيت الزیدیه نام امام رضا (علیه السلام) به عنوان امام شانزدهم فرقه زیدیه آمده است (عباس محمد زید، ۱۴۲۲ ق: ۵۳؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۹۸-۳۹۹). عباس محمد زید، امامت علی بن موسی (علیه السلام) را مورد اتفاق و اجماع چهار گروه زیدیه، اثنا عشریه، عباسیان و اهل سنت می‌داند (۱۴۲۲ ق: ۵۳-۵۴؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۰۰). کامل شییبی نیز در کتاب الصلح بین التصوف و التشیع به این واقیعت اعتراف می‌کند و می‌گوید: «امام رضا (علیه السلام) پس از ولیعهد شدن دیگر تنها پیشوای شیعیان نبود، بلکه اهل سنت، زیدیه و دیگر فرقه‌های متخاصم شیعه هم بر امامت و رهبری وی اتفاق کردند» (کامل شییبی، ۱۹۶۹: ۲۱۷-۲۱۸). در ادامه این بحث می‌توان از القاب، عناوین و تعابیر به کار برده شده درباره امام رضا (علیه السلام) در منابع زیدی سخن گفت. از جمله این عناوین الامام الحجه (محلّی، ۲۰۰۲: ۸۱؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۰۰)، الامام الاکبر الاعظم (شهراری صنعانی، ۱۴۲۳ ق: ۲۶۸)، کان من العلم و الفضل و الزهد و العباده بحیث لم یکن فی عصره مثله (ابن ابی الرجال، بی تا، ج ۴: ۳۲۵؛

میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۵۳) است. همچنین چهار لقب مشهور امام در کتب زیدیه؛ رضا، صابر، رضی و وفی است (قاسم بن ابراهیم الرسی، ۱۴۱۹ق: ۷۰؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۵۳، ۳۵۴). یکی از امامانی که در منابع زیدیه بسیار مورد توجه قرار گرفته است امام رضا (علیه السلام) و احادیث منسوب و منقول از ایشان است. در بسیاری از موارد نیز نام امام رضا (علیه السلام) در کنار زید بن علی، ناصر اطروش، امام موید بالله، امام مرشد بالله و دیگر علما و بزرگان زیدی و در روایت احادیث مربوط به تفضیل امام علی (علیه السلام) بر صحابه، سفارش تمسک به ثقلین و .. آمده است (ن.ک: مویدی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۸۳-۸۴، ۷۶-۱۰۰). از جمله موضوعات پرتکرار از روایات رضوی در منابع زیدی جایگاه امامت و ولایت (ن.ک: شهاری صنعانی ۱۴۲۳ق: ۱۸۴؛ قس: میرحسینی، ۱۳۹۲ق، ج ۲: ۳۶۹)، فضایل اهل بیت، وجوب نیکی به اهل بیت (علیهم السلام) و عقوبت ظلم به آن هاست (ن.ک: ابن مرتضی، بی تا: ۱۷۲؛ روی عن النبی انه قال لعلی و الحسن و الحسین و الفاطمه انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم؛ محلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۸: «ثلاثه انا شفیع لهم یوم القیامه: الضارب بسزیهفه امام ذریته، و القاضی لهم حوائجهم عندما اضطروا الیه، و المحب لهم بقلبه و لسانه».) پربسامدترین روایت منقول از امام رضا (علیه السلام) در کتب زیدیه روایت مشهور به سلسله الذهب است (مسوری، بی تا: ۱۴؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۷).

همان طور که گفته شد زیدیان پذیرش ولیعهدی از سوی امام رضا (علیه السلام) را نمادی از قیام بالسیف تلقی کردند و بسیاری از آنان گرد امام جمع شدند؛ همین امر عامل مهاجرت بسیاری از آنان به ایران بود. از این رو می توان برای هجرت و ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) به طور غیرمستقیم نقش و تاثیری در شکل گیری حکومت علویان طبرستان قائل شد.

امام رضا (علیه السلام) به عنوان یکی از اهل بیت (علیهم السلام)، از موقعیتی ویژه نزد همه گروه ها و فرقه های مسلمان برخوردار بود. پس از جریان ولیعهدی در مکه نیز مردم با امام رضا (علیه السلام) بیعت کردند و لباس سبز پوشیدند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۴۹؛ همچنین برای اطلاع از گزارش مربوط به استقبال بزرگان اهل سنت از امام رضا (علیه السلام) به هنگام ورود به نیشابور ن.ک: حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۷-۲۰۸). از این رو جایگاه و موقعیت خاص امام در بین فرقه های اسلامی (اعم از شیعه و اهل سنت) گذشته از آنکه اتحاد فرقه های اسلامی را

در این دوره باعث شد (ن.ک: دهقان پور، ۱۳۹۶: ۳۱۰-۳۳۰) گسترش مهاجرت علویان و تداوم آن را نیز به دنبال داشت و زمینه ساز مهاجرت‌های گسترده این افراد با گرایش‌های مختلف به جای جای ایران آن روزگار شد. در نتیجه، موقعیت سیاسی فراهم شده بستری برای فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علویان در ایران به وجود آورد و نه تنها علویان بلکه تمام مسلمانان را به گرد فرزند پیامبر جمع کرد؛ موقعیتی که می‌توان گفت بعد از امام علی (علیه السلام)، برای اولین بار برای فردی از اهل بیت فراهم شد و جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک بار دیگر شاهد اتحاد مسلمانان حول محور امامت بود. از این رو حضور امام رضا (علیه السلام)، با در نظر گرفتن جایگاه ویژه ایشان نزد فرقه‌های اسلامی، می‌تواند به عنوان زمینه و عاملی مهم برای مهاجرت گسترده علویان و شیعیان به مناطق مختلف ایران مطرح شود.

۳-۲. امام رضا (علیه السلام) و اسماعیلیه

پس از آن که شیعیان مدینه به امام کاظم (علیه السلام) گرویدند، محمد بن اسماعیل به ایران و سرزمین‌های شرقی بلاد اسلامی مهاجرت کرد (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۲۲؛ میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۲۴). محمد فعالیت‌های خود را به صورت پنهانی و به دور از مراکز اصلی شیعه نشین دنبال کرد. به همین دلیل ارتباطی میان او و پیروانش با امام رضا (علیه السلام) در تاریخ ثبت نشده است (میرحسینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۲۴-۲۲۵). اما بر اساس آثار تالیف شده به وسیله برخی شاگردان ایشان با عنوان ردیه بر اسماعیلیه (ن.ک: نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۱۰) می‌توان تا حدی به موضع ایشان درباره این گروه پی برد. هر چند ارتباط این گروه با امام رضا (علیه السلام) نسبت به دیگر فرق کم‌رنگ‌تر بود ولی مهاجرت‌های این گروه نیز بنا بر برخی گزارش‌ها با امام رضا (علیه السلام) پیوند می‌خورد. گزارش جالب توجه خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، مهاجرت اسماعیلیان به ایران را نیز با شهادت امام رضا (علیه السلام) و حوادث پس از آن ارتباط می‌دهد. هر چند منبع خواجه رشید الدین در این گزارش مشخص نیست و در دیگر منابع نیز چنین گزارشی نیامده و این امر به تواتر نرسیده است اما تاکید وی بر تاثیر شهادت امام رضا (علیه السلام) بر مهاجرت اسماعیلیان قابل توجه و تامل

است. وی می‌نویسد: «علی بن موسی الرضا، علیهما السلام به مدینه بود تا آنگاه که مأمون او را به خراسان خواند و خلافت به وی تفویض کرد به موجب خطی که پیدا و امروز در مشهد طوس است. عاقبت به طوس مسموم وفات یافت هم آن جا مدفون شد. بعد از این، عباسیان برای دعوی امامت به تیغ تفحص ایشان می‌کردند. اولاد اسماعیل نیز متواری شدند و از مدینه بعضی بر صوب عراق و خراسان و قومی به جانب مغرب رفتند» (همدانی، ۱۳۸۱: ۶).

نتیجه‌گیری

مهاجرت اعراب در دوره عباسی بیشتر علویان و شیعیان را شامل می‌شد. در گزارش‌های منابع درباره علت حضور مهاجران در ایران از قرن سوم قمری به بعد، هجرت امام رضا (علیه السلام) نقطه عطف محسوب می‌شود. از بین پنج دوره و به عبارتی پنج عامل تعیین کننده در مهاجرت علویان در دوره عباسی، یکی از دوره‌ها و یکی از عوامل مهم هجرت و ولیعهدی امام رضا (علیه السلام) است. گزارش‌های منابع متعدد نشان دهنده آن است که مهاجرت‌های همزمان با ولیعهدی یعنی مهاجرانی که همراه امام از مدینه به مرو حرکت کردند بسیار محدود بود و گزارشی از حضور افراد خانواده و نزدیکان امام در دست نیست و تعداد مهاجرانی که بعد از ولیعهدی و به طور جداگانه به ایران مهاجرت کردند، بسیار بیشتر بود. مهاجرت علویان به ایران پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) نیز ادامه یافت و مناطق مختلف ایران و به ویژه ایالت‌های خراسان، جبال، طبرستان و فارس را در بر گرفت. تاثیر حضور ایشان بر مهاجرت‌ها را نباید فقط در مهاجرت علویان و شیعیان با گرایش امامی دید زیرا امام رضا (علیه السلام) بنا به اطلاعات منابع فرقه‌های اسلامی اعم شیعی (امامی و غیر آن) و اهل سنت؛ در دوره امامت و به ویژه در دوره حضور در ایران مورد احترام همه گروه‌ها و فرقه‌ها بود از این رو ولیعهدی، حضور و در ادامه شهادت ایشان عامل بسیاری از مهاجرت‌ها شد. در این بین شیعیان و علویان زیدی، تعداد زیادی از مهاجران را به خود اختصاص می‌دادند. این امر تا حدی ناشی از اعتقاد این فرقه به قیام بالسیف بود. زیدیان پذیرش ولایت عهدی را

نوعی قیام برای رسیدن به حکومت یا زمینه‌سازی در راستای آن تفسیر کردند و به امامت حضرت رضاع ایمان آوردند. از این رو مهاجرت امام رضا به عنوان یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز مهاجرت علویان به ایران مطرح بود و تاثیر بسیاری بر شکل‌گیری و تداوم این پدیده مهم اجتماعی داشت.



منابع و مأخذ

- آملی، اولیاء الله. (۱۳۴۸). تاریخ رویان. تحقیق منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن ابی الرجال، احمد بن صالح. (بی تا). مطلع البدور و مجمع البحور. به کوشش عبدالسلام الوجیه و محمد یحیی عزان. مرکز التراث و البحوث الیمینی. نسخه نرم افزار مکتبه الشامله.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵/۱۹۶۵ م). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر-دار بیروت
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن. (بی تا). تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال. به اهتمام محمد رضانی. بی جا: چاپخانه مجلس.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۹۸۴-۱۴۰۴ ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تصحیح و تعلیق و تقدیم شیخ حسین الاعلمی. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر. (۱۳۷۷). منتقله الطالبیه. قم: انتشارات المکتبه الحیدریه.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (بی تا). مقاتل الطالبیین. تحقیق سید احمد صقر. بیروت: دار المعرفه.
- _____ (بی تا). مقاتل الطالبیین. مقدمه مصحح. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. مقدمه و تصحیح علی اکبر غفاری. طهران: کتابفروشی صدوق.
- ابن عنبه. (۱۳۸۰-۱۹۶۱). عمده الطالب. تصحیح: محمد حسن آل طالقانی. نجف اشرف: منشورات المطبعه الحیدریه.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی. (بی تا). المنبه و الامل فی شرح الملل و النحل. تهران: نسخه عکسی دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۴۰۵ ق ۱۹۸۵). کشف الغمه. چاپ دوم. بیروت: دارالاضواء.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۹۶). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه جواد فلاطوری و مریم میر احمدی. ج ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشعری، ابی الحسن علی بن اسمعیل. (۱۴۰۰ ق ۱۹۸۰). مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین. به تصحیح هلموت ریتز. بی جا: النشرات الاسلامیه اسسها هلموت ریتز.
- اشعری قمی، سعدین عبدالله ابی خلف. (۱۹۳۶). المقالات و الفرق. تصحیح و تعلیق محمد جواد مشکور. طهران: موسسه مطبوعاتی عطانی.
- بحر العلوم گیلانی، محمد مهدی. (۱۳۷۶). انوار یراکنده در ذکر احوال امامزادگان و بقاع متبرکه ایران به انضمام مشاهیر علم و ادب و عرفان. قم: مسجد مقدس جمکران.
- بخاری، ابونصر سهل بن عبدالله. (۱۳۸۱). سر السلسله العلویه. النجف: الحیدریه.
- بهرامی، روح الله. (۱۳۸۳). «ریشه‌های فکری و سیاسی جنبش‌های کیسانی و نقش آن در زوال خلافت اموی». رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. (این رساله در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام در قالب کتاب به چاپ رسیده است).
- پاکتچی، احمد. (۱۳۹۲). «جایگاه امت واحده در آموزه‌های امام رضا علیه السلام». جلد اول از مجموعه مقالات (۲ جلدی) ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا علیه السلام. سرپرست علمی احمد پاکتچی. به اهتمام مرتضی سلمان نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پیرعلیلو، حیدر علی. (۱۳۷۸). «معرفی صحابه ایرانی تبار ائمه علیهم السلام و سهم ایشان در گسترش تشیع در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده الهیات.

- حاکم نیشابوری، ابو عبد الله. (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور. تهران: آگه.
- حسینی مدنی، ضامن بن شدقم. (۱۳۷۸/۴۲۵ق). تحفه الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار. تحقیق و تعلیق: کامل سلمان الجبوری. تهران: آینه میراث با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- خطیب بغدادی. (بی تا). تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دفتری، فرهاد. (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: فرزانه روز.
- دهقان پور، زهره؛ بیات، علی. (۱۳۹۶). «وحدت فکری فرقه‌های اسلامی بر مبنای عقلانیت در سیره رضوی». مجموعه مقالات همایش ملی عقلانیت رضوی. تهران: معاونت فرهنگی اداره کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران. صص: ۳۱۰-۳۳۰.
- دهقان پور، زهره. (۱۳۹۴). «مهاجرت علویان به ایران و گسترش تشیع از آغاز قرن سوم هجری تا برآمدن آل بویه». رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۶۶). سفرنامه مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رضایی برجکی؛ رضوی، اسماعیل و سید ابوالفضل و سید جمال موسوی. (۱۳۹۶). «تبیین مهاجرت سادات علوی به ایران، با تاکید بر ناحیه خراسان». فصل‌نامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام. س. ۷. ش. ۲۸. صص: ۴۵-۶۹.
- روضاتی، سید محمدعلی. (۱۳۳۵/۱۳۷۶). جامع الانساب در انساب و احوال اعقاب ائمه اطهار علیهم السلام. اصفهان: چاپخانه جاوید.
- زنجانی، حبیب الله. (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: سمت.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۸ق). موسوعه طبقات الفقهاء. اللجنة العلمیه فی موسسه الامام الصادق علیه السلام. اشراف العلامة الفقیه جعفر سبحانی. قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
- شوشتری، نورالله. (۱۳۷۵). مجالس المومنین. تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- شهبازی صنعانی، علی بن عبدالله. (۱۴۲۳ق). بلوغ الارب و کنوز الذهب فی معرفه الذهب. عمان: موسسه الامام زید بن علی.
- صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۸۸). (تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوره امام رضا علیه السلام و ارتباط آن با ولایت عهدی). شیعه شناسی. ش. ۲۶. صص: ۵۷-۷۶.
- _____ (۱۳۹۱). (تعامل امام رضا علیه السلام با فرقه زیدیه). تاریخ اسلام. س. ۱۳. ش. ۵۰. صص: ۸۳-۱۱۲.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۶-۱۹۶۶م). احتجاج، تعلیق و ملاحظات: السید محمد باقر الخراسان. النجف الاشرف: دارالانعمان للطباعه و النشر.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷/۱۹۶۷). تاریخ الأمم و الملوک. تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم. چاپ دوم. بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). اختیار معرفه الرجال (رجال کشی). تصحیح و تعلیق: محمد باقر حسینی میرداماد استرآبادی. تحقیق سید مهدی رجائی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عباس محمد زید. (۱۴۲۲ق). ائمه اهل البيت. صنعاء: مکتبه الامام زید بن علی الثقافیه.
- عبیدلی نسابه. (۱۴۱۳ق). تهذیب الانساب و نهایه الاعقاب. تحقیق شیخ محمد کاظم محمودی. اشراف: سید محمود مرعشی. قم: مکتبه المرعشی النجفی.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۴۰۶ق). مسند الامام الرضا. مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا (علیه السلام).

- علوی عمری نسابه، علی بن محمد. (۱۴۰۹ق). *المجیدی فی انساب الطالبین*. تحقیق احمد مهدوی دامغانی. قم: نشر مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- فرای، ریچارد. نلسون. (۱۳۵۸). *عصر زرین فرهنگ ایران*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.
- قاسم بن ابراهیم الرسی. (۱۴۱۹/۱۹۹۸ق). *تثبیت الامامه*. تحقیق صالح الوردانی. بیروت: الغدیر.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱). *تاریخ قم*. تحقیق سید جلال الدین تهرانی. تهران: توس.
- کامل، مصطفی شیبی. (۱۹۶۹). *الصله بین التصوف و التشیع: همبستگی میان تصوف و تشیع*. ترجمه، تلخیص و نگارش علی اکبر شهابی. مصر: دارالمعارف.
- کچوئی قمی، محمد علی بن حسین نائینی اردستانی. (۱۳۸۱/۱۴۲۳ق). *انوار المشعشعین فی بیان حالات الرواه القمیین*. تحقیق محمد رضا انصاری قمی. اشراف سید محمود مرعشی نجفی. قم: کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی.
- کریمان، حسین. (۲۵۳۶ خورشیدی). *قصران کوهساران مباحث تاریخ و جغرافیایی و اجتماعی و مذهبی و وصف آتشفشان منطقه کوهستانی ری باستان و تهران کنونی*. طهران: انجمن آثار ملی.
- _____ (۱۳۶۴). *سیره و قیام زید بن علی (علیه السلام)*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- المتوکل علی الله، احمد بن سلیمان. (۲۰۰۳-۱۳۸۲). *حقائق المعرفه فی علم الکلام*. صنعاء: موسسه الامام زید بن علی الثقافیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۹۸۳-۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفاء.
- مُحَلّی، حمید بن احمد. (۲۰۰۲/۱۴۲۳ق). *الحداثق الوردیه*. تحقیق مرتضی بن زید محطوری حسنی. صنعاء: مطبوعات مکتبه مرکز بدرالعلمی و الثقافی.
- _____ (بی تا). *محاسن الازهار فی تفصیل مناقب العتره الاطهار*. نسخه عکسی دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- محمد بن ابراهیم. (بی تا). *ارشاد الطالب الی معرفه بعض وفاه ابی طالب و غیرهم*. نسخه عکسی دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۷۹). *تجارب الامم*. تحقیق ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین. (۱۴۰۹ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. تحقیق اسعد داغر. قم: دارالهجره.
- مسوری، احمد بن سعد الدین. (بی تا). *اجازات الائمة الزیدیه*. نسخه خطی موسسه الامام زید بن علی الثقافیه.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۴-۱۹۹۳). *الارشاد*. موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث. چاپ دوم. بیروت: دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع.
- مویدی، مجدالدین بن محمد. (۲۰۰۱/۱۴۲۲ق). *لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار و تراجم اولی العلم و الاقطار*. تحقیق محمد علی عیسی. صعده: منشورات مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه.
- میرحسینی، یحیی. (۱۳۹۲). «امام رضا (علیه السلام) و جریان های داخلی امامیه». جلد اول از مجموعه مقالات ۲ جلدی *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه السلام)*. سرپرست علمی احمد پاکتچی. به اهتمام مرتضی سلمان نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام). صص: ۲۰۱-۲۳۹.
- _____ (۱۳۹۲). «مناسبات دو سویه امام رضا (علیه السلام) و جریانهای زیدیه». جلد دوم از مجموعه مقالات ۲ جلدی *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه السلام)*. سرپرست علمی احمد پاکتچی. به اهتمام مرتضی سلمان نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام). صص: ۳۸۵-۴۰۷.
- _____ (۱۳۹۲). «امام رضا (علیه السلام) در میراث زیدیه». جلد دوم از مجموعه مقالات ۲ جلدی *ابعاد شخصیت و زندگی*

حضرت امام رضا (علیه السلام)، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، صص: ۳۵۱-۳۸۳.

-ناشئی اکبر، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۹)، فرقه های اسلامی و مسئله امامت، ترجمه علیرضا ایمانی، به ضمیمه متن عربی مسائل الامامه، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

-نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۶ق)، رجال، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

-نظام الملک، حسن بن علی، (۱۳۷۳)، سیاستنامه (سیرالملوک)، با مقدمه و تعلیقات به اهتمام عطاء الله تدین، تهران: انتشارات تهران.

-همدانی، رشید الدین فضل الله، (۱۳۸۱)، جامع التواریخ، اسماعیلیان و فاطمیان، محقق و مصحح محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرس، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

-یعقوبی، احمد بن ابی واضح، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی